



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۹ - ۲۶ تیر ۱۳۹۹

نوجوان
جدا



ورزش کردن فقط

مال پسرها که

نیست حتی

دوچرخه سواری؛

فقط اینه که توی

شرایط مناسب

این کار رو انجام

بدی. مثل مهسا

که مهمان این

شماره از نوجوانه

است

فاطمه کریمی



درباره دختری که به قهرمانی در المپیک ۲۰۲۸ فکر می کند

زندگی روی ۲ چرخ

«دکتر بابا»

مهسا ماویز حدوداً ۲۰ سالشه. از اونجایی که ما خانم ها سن دقیق رو عمرالونمی دیم بهتره خودتون تو گوگل سرچ کنید و ببینید. اگر متوجه سن دقیق مهسا شدید حتماً به منم خبر بدید. یادتون نره فقط. مهسا خانم از اونجایی که دیپلم تجربی داره مدام با خودش فکر و خیال می کرده که یک روزی خانم دکتر آینده میشه. تا جایی که کل فامیل مهسا رو خانم دکتر خطاب می کردند. حتی پدر مهسا در موبایل خود، مهسا رو ذخیره کرده «دکتر بابا»...

«کلاس کجا برم؟»

امتحانات خردادماه یک طرف، این بحث کلاس رفتن های تابستان هم یک طرف ماجرا. مهسا هم به اصرار پدر و مادرش برای پرکردن تابستان رجوع می کنه به کلاس تنیس. در صورتی که اصلاً مهسا به این رشته ورزشی علاقه نداره. تا جایی که بعد از یکی دو جلسه رفتن سر کلاس تنیس، دیگه نمیره هرچند که در رشته تنیس هم استعداد داشته. حتی مربی تنیس گفته حتماً تنیس رو ادامه بده، چون تو استعدادشو داری. اما وقتی علاقه نداشته باشی، کاری نمیشه کرد. واقعا که مهم علاقه.

«سرنوشت عجیب»

بعضی وقت ها واقعا اون چیزی که ما می خواهیم پیش نمیره. بهتره بگم اون چیزی که خانواده ها می خوان برای فرزندان خوب پیش نمیره. مهسا هم که کلاً از تنیس فراری بود خیلی اتفاقی رجوع می کنه به کلاس دوچرخه سواری و در کلاس های دوچرخه سواری شرکت می کنه و هر روز ساعت ها رکاب می زنه و جالب اینجاست که خیلی هم موفق می شه.

«درمان با ورزش»

کنکور دادن خودش دنیای استرسه مخصوصاً «به کسی برنخوره ها»، آگه در رشته تجربی تحصیل کنی دیگه بدتر، از بس که سخته. مهسا که کلاً آدم استرسیه و به قول خودش از وقتی پابه رشته ورزشی دوچرخه سواری گذاشته یک جورایی داشته خودش رو با ورزش درمان می کرده و از وقتی دوچرخه سواری می کنه کلاً دیگه استرس نداره و روزه روز علاقه مهسا برای دوچرخه سواری چندین برابر میشه. تا جایی که کلاً فکر دکتر شدن و...

از سرش می پره و کنکور تجربی نمی ده و کلاً تغییر رشته می ده... و رجوع می کنه به رشته تربیت بدنی در دانشگاه تهران. مهسا خانم هم می خواست ثابت کنه که من می تونم در رشته ای که علاقه دارم موفق بشم. اتفاقاً اولین مدال رو مهسا در شهر

«پزشک ورزشی می شوم»

از اونجایی که مهسا یک روزی علاقه به پزشکی داشته و این ماجرا برای قبل ورود به رشته ورزشی دوچرخه سواری بوده، اما وقتی با هم صحبت کردیم میگه که دوست دارم یک روزی پزشک ورزشی بشم. یعنی هردو با هم. اما خب، به رشته ورزشی قطعاً بیشتر علاقه داره.

«ولخرجی ممنوع»

تابستون شروع شده و باز باید بشینیم و برنامه ریزی کنیم برای کلاسهای تابستونی. برنامه ریزی ای که آدم نمی دونه به حرف دلش گوش کنه یا سفارشات همیشگی مامان و بابا یا زمزمه های جیب مبارک! مخصوصاً برای رشته های ورزشی. اتفاقاً نظر مهسا هم همینیه. مهسا میگه دوچرخه سواری به شدت رشته پرخرجی است. مخصوصاً این که اگر فعالیت بیشتری داشته باشی و بخواهی توی مسابقات شرکت کنی قطعاً باید بعد مسابقات یا قبلش دوچرخه رو عوض کنی و با شرایط اقتصادی الان دوچرخه حدوداً ۱۰ میلیون و شاید هم بیشتر هم بشه.

«چطور ذوق مرگ شویم»

سر جلسه امتحان یا کنکور، لحظه هایی که داری به سوال امتحان پاسخ می دهی، دقیقاً هزار فکر و خیال به ذهنت می رسه. مهسا هم موقع دوچرخه سواری کوهستان، وقتی داور سوت مسابقه را می زنه در حین مسیر بیشتر از همیشه فکر می کنه. مهسا میگه همه چیز به ذهن و جسم آماده بستگی داره. اگر هرکسی ذهن و جسم آماده داشته باشه می تونه آخرش از به رقابت سالم و موفق ذوق مرگ بشه.

«هدف»

فکر می کنم همه ما نوجوانه ای ها که توی هفته نامه مون قلم می زنیم حداقل این تجربه رو داشتیم که شب تا صبح بیدار بمونیم و چشم مون از شدت خستگی در حال ترکیدن باشه. اصلاً چرا راه دور بریم، همین یکی مثل ما هم حاصل شب بیداریه. چون به کاری که انجام می دم ایمان دارم. مهسا هم به شدت قلبش برای عشق به این دوچرخه خاطره ساز بچگیای ما می تپه و می دونه که یک روزی قهرمان المپیک می شه.

اون هر روز تمرین می کنه و حدوداً در روز ۷۰ کیلومتر رکاب می زنه. با این که مهسا خیلی سختی می کشه و گاهی وقتاً فامیل و دوستانش بهش میگن این عشق رو ولش کن و خطراتش زیاده، اما به قول مهسا من با جون و دل دارم کاری که علاقه دارم را انجام می دم.

بروجن کسب می کنه که بعد از کسب این مدال طلا، عضو تیم ملی ایران میشه و در مسابقات آسیایی در کشورهای لبنان و تایلند باز موفق به کسب مدال های رنگارنگ میشه. اینجاست که میگن خواستن، توانستن است. واقعا چه حسی بهتر از این. مخصوصاً برای مهسا که مدام تو خونه خانم دکتر صداش می زدن. خودش می گه: از وقتی در رشته ورزشی مدال کسب کردم و موفق شدم، پدر و مادرم به من افتخار می کنند.

«با دنیا عوض نمی کنم»

بعضی چیزها رو نمی شه قیمت گذاشت. مهسا اصلاً اهل شعاردادن نیست. وقتی با مهسا حرف می زدم مدام از حس خوبش بالای سکو می گفت. تا جایی که همش با خودم میگم کاش منم یک رشته ورزشی رو انتخاب می کردم که بتونم این حس وصف ناپذیر مهسا رو درک کنم. مهسا میگه عجیب و غیرقابل بیان حس خوب بالای سکو. وقتی پرچم سه رنگ کشورت به اهتزاز درمید به عنوان یک ایرانی، غرور به آدم دست می ده. این غرور با ورزش رو با به دنیا عوض نمی کنم.

«قهرمانی در المپیک ۲۰۲۸»

بعضی وقت ها خودت رو در ۲۰ سال آینده یا شاید ۱۰ سال آینده می بینی با توجه به چیزی که علاقه داری. برای مهسا هم این مورد پیش اومده. با این که مهسا مدال های رنگارنگ به دست آورده، اما هنوز به این قهرمانی راضی نیست و همش داره رویا پردازی می کنه که یک روزی قهرمان دوچرخه سواری المپیک ۲۰۲۸ بشه؛ به امید اون روز....

